



فساد در اداره محلی و قوای امنیتی و ارایش تجملی دموکراسی

در سه سال گذشته مطبوعات افغانستان و جهان بعد از سال ۲۰۱۴ را دهه تحول یا گذار در کشور نامیدند دلایل انرا انتقال امنیتی از قوای ناټو به قوای افغان، خروج قسمت اعظم قوای ناټو و انتقال سیاسی و اقتصادی قلمداد میکردند علل الخصوص زمزمه انتخابات و انتقال مسالمت امیز قدرت نمونه ای از کارکردهای سیزده ساله خود دانسته انرا افتخار موجودیت امریکا در افغانستان توجیه میکرد. اکنون مردم چشم براه ان هستند که چگونه سیر تحول و تکامل ادامه خواهد یافت ؟ ایا ناټو در سیزده سال گذشته توانسته اند اقلا نهادهای کوچک دموکراتیک را ایجاد نمایند یا چطور؟ منظور، ساختارهای که موجبات بنیادی دموکراسی را فراهم نموده میتواند، است. ساختارهای سیاسی و مدنی جامعه است که زیربنا دموکراسی را میسازد در غیر ان اکتفا به دموکراسی شکلی یا روبینایی خود و جامعه را به خطا بردن است چنانچه همین اکنون در پروسه انتخابات نتایج ان هویدا شد ممکن کلمه دموکراسی وسیله تاکتیکی برای رسیدن به اهداف دیگری بکار برده میشود. اینکه انتخابات کنونی نوعی از تمرین دموکراسی و رهنمایی جامعه عقب مانده بسوی رسم انتخاب حکومت است حرفی است بجا، اما باید پذیرفت، تا انکه نهادهای دموکراتیک از قبیل احزاب سیاسی، تحرکات مدنی، و آزادی بی قید و شرط بیان ایجاد نگردیده باشد و تمرکز بالای گروه های مسلح غیر مسول گردیده باشد، انتخابات سنتی ، منطوقی، قومی و غیر عادلانه خواهد بود و هیچگونه

اراده مردم بصورت ازادانه در آن دخیل نخواهد بود حکومت به میان آمده از ان نمایندگی نسبی کتله ای از مردم را خواهد داشت نه اکثریت مردم.

کشور ما در طول چند دهه اخر شاهد حاکمیت های فردی و حلقات وابسته بود که مشخصه عمده آن تک گرایی و انحصار قدرت بوده تحت چترهای حمایوی بیرونیها با اتکا به گروپهای مسلح غیر مسول اعمال قدرت مینمود اما ده سال اخر فرصت مناسب و بستر مساعد برای ملت سازی بود با انکه سایه ای از بیرونی ها برفضا حاکم بود اما چتر ملل متحد نیز بر فراز ان وجود داشت متاسفانه از اینکه شُرکای قدرت نخواستند و یا نه توانستند با پرنسبهای و اصول دموکراتیک هماهنگ گردند لذا فرصتهای موجود در جهت مصلحت گرایی و اقناع زورمندان صرف گردید حتی پُست های اضافی و تجملی با امتیازات فوق العاده برای اقناع افراد ایجاد شد، فساد یک روند عادی پنداشته شد، قوم گرایی و پرنسبهای تبعیضی لسانی، سمتی و منطقوی واقعیت جامعه تعریف گردید و پروسه عدالت انتقالی را منافی شرایط کشور دانستند در عوض فرسخها از ملت سازی دوری جستند. چنین روند هیچگاهی موجبات نهادینه شدن دموکراسی و یا انتخابات اصولی را فراهم کرده نمیتواند.

ازینکه شرایط تشکیل و تقویت احزاب تمام شمول در کشور فراهم نه گردیده لذا گروپ بندیها بر اساس منافع مشترک و موضعگیریهای مشابه شکل گرفت مخفی نگهداشتن چهره های تاثیر گذار ساختارها در دو تیم برتر انتخاباتی مشکل را حل نه، بلکه مشکل ساز میگردد سعی شد پیوستن بعضی پشتونها به تیم داکتر عبدالله عبدالله و داشتن هزاره منیث معاون را رزگ اتحاد ملی دهند و یا پیوستن بعضی تاجیکهای مطرح به تیم اشرف غنی و داشتن حمایت عده ای قابل ملاحظه ای از هزاره ها و ازبکها را طرز اتحاد ملیتها نامند. ولی مردم حقیقت را از گاه میدانند افراد دارای منافع مشترک و موضعگیریهای مشابه ، بدون در نظر داشت ملیت، قوم، زبان و سمت باهم یکجاه و در یک تیم مورد نظر تشکُل یافته اند. بطور نمونه تورن اسماعیل، گل اغا شیرزی، محقق، استاد عطا ، امان الله گذر، بسم الله محمدی و سالنگی ها همه قوماندانان ارشد جهادی بودند و نیز انگشت انتقاد نسبت متمول شدن عاجل متوجه شان است ویا در ارتباط به جنگهای داخلی تهدیدات مشترک دارند بنا موضعگیری شان مشابه و همگون است ولو اگر مناسبات ذات البینی شان خوب هم نباشد. همچنان اگر اشرف غنی، علی احمد جلالی ، انورالحق احدی، محمد حنیف اتمر ، احمد ضیا مسعود و امثالهم در یک موضع قرار گرفته اند یقینا وجوهات مشترک داشته، که شاید ارایه حکومتداری خوب، حاکمیت قانون، محوه فساد و مظاهر غصب و تثبیت شخصیت خویش در بین مردم جهت کسب باور ملی از ممیزات مشترک شان باشد.

با انکه امریکا و متحدین شان سعی کردند که انتخابات افغانستان را دموکراتیک و ممثل اراده مردم وانمود کنند تا لا اقل بمنظور پرده اندازی بالای شکستهای خود در جهت عدم ایجاد نهادهای دموکراتیک، ملت های بزرگ خود را اغفال نموده باشند چنان تفهیم نمایند که موجودیت سیزده ساله شان، مصرف نمودن ملیاردها دالر و تحمل تلفات بیش از سه هزار امریکایی

بیجا نبوده بل دست آوردهای دموکراتیک در قبال داشته است و آن پروسه انتخاباتی و انتقال مسالمت آمیز قدرت است. متأسفانه مشاهده گردید که از یک طرف کمیسیون انتخابات نتوانست ظرفیت پایین کاری خود کتمان نماید و از جهت دیگر تهدیدات به حکومت موازی از جانب کاندیدان، کارکرد دموکراسی قلابی را به نمایش گذاشت این در حالی است که ۲۴ ساعت بعد از انتخابات هر دو تیم انتخاباتی و مردم دانستند که اشرف غنی احمدزی به بیش از یک ملیون رای سیقت بسته، برنده انتخابات است. ونیز همانطوریکه فساد سراسر بدنه دولت را فرا گرفته است پروسه انتخاباتی نیز از آن بی بهره نماند ملت شاهد است که صدها ملیون ڈالر بشکل غیر قانونی در آن بکار رفت. رای به خرید و فروش گذاشته شده بود. تیم های انتخاباتی برتر معیارهای مبارزات سیاسی را نیز صدمه زدند طوریکه در بعضی موارد، کار برد کلمات و الفاظ مملو از توهین و تحقیر توسط سخنگویان، تهدیدات داکتر صاحب عبدالله بتاریخ ۹۳/۴/۱۷ در خیمه لویه جرگه و صریحا نقض اصول قانون مداری مطالبی است که به دوران جنگهای خانمانسوز داخلی بر میگردد، سخنانی از حکومت موازی یا آنچه اولاً عملی نیست و از جانب دیگر مظاهره لجام گسیخته در محلیکه برای جرگه های بزرگ ملی و در صورت ضرورت کنفرانسهای بزرگ بین المللی اختصاص یافته فقدان ظرفیت سیاسی را نشان داد و جالبتر آنکه، کسی به کمال جرات قانون اساسی را چلنج و از حکومت موازی بدون در نظر داشت نهادهای قانونی و موارد قانون اساسی، سخن گفت که ادعای رهبری کشور و حامی قوانین نافذ کشور خواهد شد.

با انهم انتخابات کنونی با تمام کاستی های ان که اشاراتی بعمل آمد با در نظر داشت فضای حاکم بر جامعه و حساسیت شرایط، به اندازه ای هم قابل نقد نیست که مشروعیت ان زیر سوال رود،

کفایت میکند نظری به اینکه برای اولین بار در شرایط دشوار کشور روند دوم انتخابات برپا گردید، انداخته شود. اینهم روشن است که بعد از چند دهه قرار است منورین و حکومت کنندگان سیکولر زمام امور را بدست گیرند که به این ترتیب سعی خواهد شد که قوماندانسالاری و قانون شکنی پایان یابد، و از جانبی هم نیروهای که در بیش از یک دهه گذشته ثروتهای نامشروعی از حاکمیت اندوخته اند به این اسانی حاضر نخواهند شدند که قدرت را واگذار نمایند. اما از نگاه تیوریک جبر تاریخ پنداشته میشود بالاخره یک وقت باید امتیاز گیری بنام جهاد پایان یابد بالاخره زورگویی باید روزی پایان یابد و قانون حاکم گردد و بالاخره غصب و فساد باید پایان یابد و امروز فرا رسیده است.

آنچه که در کشمکش های انتخابات کنونی به وضوح معلوم شد ضرورت باز نگری بر اداره ارگانهای محلی و وزارت امور داخله است یک امر ضروری است این درست است که همه میگویم پولیس ملی و پولیس ملی اما در جریان تظاهرات و توطییه هایکه سازماندهی شده بود معلوم شد که بیشتر ضرورت است به ملی شدن پولیس توجه مبذول گردد همه از امواج رادیو ازادی شنیدند که قرار بود در اثر یک پروگرام توصل به زور ارگ مورد تهاجم قرار گیرد و

تشویشی از پولیس موجود نبود زیرا مهاجمان مطمئن بودند که قوای امنیتی هواخواهان آنها هستند پس انرا ملی نام دادن اشتباه خواهد بود.

شکی نیست که فساد در تمامی ابعاد وجود دارد اما بعضی فسادها خسارات برگشت ناپذیری به ساختار حکومت وارد مینماید و سد راه حکومتداری خوب میگردد که نتیجتاً باور مردم به حکومت از سن رفته عمق فاصله بین مردم و حکومت را باعث میگردد همچو فساد در اداره مستقل ارگانهای محلی.

طوریکه از نامش پیدا است این اداره مستقیماً با مردم در ناهمواریها مواجه است یعنی مردم از دریچه آنان به حکومت می نگرند ولی متأسفانه باوجود آنکه نه وزارت است و نه مسولیت پاسخگویی در برابر پارلمان دارد دارای وظایف و صلاحیتهای صدارت مانند است یعنی تمامی ولایات ، شاروالیها و ولسوالی های کشور را سمت دهی و واریسی مینماید هیچ مرجعی وجود نداشته که این اداره را تفتیش نماید. ان اداره برعلاوه تخطی صریح از قوانین نافذ در کشور حتی پروگرام اصلاحات اداری را چلنج و نقض نموده است که جبران ان بعید بنظر میرسد یکبار که حکومتداری زیر سوال رفت برگشت به اعتماد مردمی گاهی ناممکن می نماید نمیخواهم به جزئیات بروم یا اینکه توضیح دهم که کدام ولایات به شمول کابل چند ولسوالی دارد و چند ولسوال مقرر دارند یقیناً شرم اور است که هر ولایت اضافه از تعداد ولسوالیها ولسوالان مقرر شده داشته باشند . تقاضای اصلی از حکومت آینده و ریس جمهور آینده انست که در قدم نخست بی بندوباریهای را در این اداره که غالباً به معین پالیسی و ریس منابع بشری ان بر میگردد پایان دهند و تجارت بر سر چوکیها دولت را خاتمه دهند. در انصورت از صرف نمودن بی مورد و غیر قانونی بودیچه دولت نیز جلوگیری خواهد شد اکنون ولایاتی وجود دارد که در ان به مراتب بیش از تشکیل ولسوالیها ، ولسوال معاش خور دارند که نتیجه فساد مشهود است در حقیقت اگر در نتیجه بررسیها تثبیت گردد که در اثر اجراء استفاده جویانه، قسمتی از بودیچه دولت به نام ولسوالان مقرر شده اضافه از تشکیل حیف ومیل گردیده باشد، مقامات مسول رهبری ان اداره از طریق ارگانهای عدلی به جبران خساره به دولت مجبور گردند.از همینجا اولین قدم جالب ضد فساد برداشته خواهد شد.

ومن الله توفیق